

بنام خدا

منشا بردگی مدرن و رنج انبای بشر

از: دکتر محمدرضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس، اسفند ۱۳۹۴ ه.ش

از دید من به عنوان یک ژئوپلیتیسین انسانیت گرا، بنظر می رسد انسانها و انسانیت در طول تاریخ بشر همواره قربانی اندیشه، اراده و عمل سه گروه بازیگر خدا گریز و خود خواه به شرح زیر بوده و می باشند. تا جاییکه این تصور پیش آمده که این وضعیت، سرنوشت محتوم بشر است؟! امروز نیز انسان مدرن و پست مدرن اسیر خواستها و امیال پایان ناپذیر آنها می باشد.

۱ - بازیگران و نهادهای سیاسی مایل به کنترل قدرت و فرمانروایی خودکامه، که در کسوت گانگسترهای قدرت، از یک سو جامعه و انسانهای مستعد برای عوامفریبی را بویژه در عصر مدرن و با فرایندهای شبه دموکراتیک می فریبند تا وادار به واکنش مورد نظر خود بکنند، و از سوی دیگر با میل سیری ناپذیر و امپریالیستی خود برای سلطه و نفوذ در فضاهای جغرافیایی و زیستگاه دیگر ملتها و سازه های انسانی، مصیبت و جنگ درست می کنند و زندگی انسانها را به خاک و خون می کشند.

۲ - بازیگران و نهادهای اقتصادی سودجوی مایل به ثروت اندوزی بی پایان، که از یک سو با بردگی و استثمار کارکنان سر بزیر عصر پست مدرن در بنگاههای اقتصادی بدنبال تولید انبوه هستند، و از سوی دیگر با تحریک تقاضا و عطش آفرینی مصرف در انسانهای شکمو، مسرف، پر افاده، متکبر، مفت خور، و نیز با کاربرد غیر مسئولانه مهندسان و تولیدات فن آورانه، بنیادهای زیستی و ارکان جغرافیایی کره زمین و حیات بشری را بخطر می اندازند، و در ورای چشم انداز فقر و بی عدالتی جغرافیایی سطح کره زمین که خود آفریده اند مغرورانه مانور می دهند. انگار که از فلاکت، مصیبت و رنجوری انسانها و بردگان دنیای پست مدرن لذت می برند؟! آنها از حمایت حکومتها و حوزة سیاست نیز بهره می برند، و متقابلا بر پیدایش و بقای بازیگران سیاسی در فرایندهای سیاسی عوام فریب تاثیر گذارند، و نیروهای خطرناک اقتصاد سیاسی را می سازند.

۳ - بازیگران دینی و مذهبی انحصار طلب در ادیان مختلف جهانی، که از تمایلات خود محور و افراطی برخوردارند و خود را برجای خدا نشانده و نماینده تام الاختیار او در جهان خلقت تصور می کنند. آنها از خداوند قادر و رحمان، تصویر نادرست و ترسناکی در ذهن پیروان خود می سازند. آنها از باورهای پاک دینی و مذهبی انسانها سوء استفاده می کنند و گروههای انسانی را در برابر همدیگر قرار می دهند و کینه، مصیبت و جنگ بر علیه همدیگر را می آفرینند.

اجزای درونی سه گروه مزبور برای ارضای امیال شخصی و خودخواهانه و نیز خوی سلطه گرانه و انحصار طلب خود در فضاهای جغرافیایی کره زمین و نیز ذهن و اندیشه انسانهای ساکن در آنها، با یکدیگر به رقابت و ستیز می پردازند. آنها فضای فکری جوامع انسانی را با هدف سلطه گری سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نیز اطاعت پذیری و بردگی انسانها معماری می کنند. در این راستا آنها از رسانه ها، زبان و کلام، ادبیات، آئین ها و ارزشهای مذهبی و فرهنگی، هنر، موسیقی، فیلم و سینما، ورزش، علم و شبه علم، گفتمان سازی، فناوری، و غیر آن استفاده ایزاری می نمایند و شهروندان را به پذیرش متقاعد می کنند.

متأسفانه محصول فرآیند همکاری و یا رقابت و ستیز درونی و برونی سه گروه مزبور، و کاربری ابزارهای فوق توسط آنها، قربانی شدن و بردگی انسانها و انسانیت و نیز تولید زندگی رنج آور برای بشریت بوده و هست. مهم نیست که انسان عصر سنت باشد یا عصر مدرن و پست مدرن! انگار بردگی سرنوشت محتوم انبای بشر بوده و می باشد! البته آن طور که به نظر می رسد، متأسفانه بردگان هر سه دوره نیز از بردگی خود توسط بازیگران مزبور غافل هستند!؟

در کنار این سه گروه، بازیگران عرصه های حقوق و مدیریت نیز با معماری و آفرینش شبکه های پیچیده و تار عنکبوتی از ساختارهای حقوقی و بوروکراتیک و تنوریزه کردن آنها، به خلق جبر سازمانی و حقوقی و سپس اسارت تحقیر آمیز شهروندان در ساختارها و سازمانهای اداری جهنمی و مولد رنج و مصیبت، کمک می کنند.

اما من بر این باورم که این روند تاریخی، سرنوشت محتوم بشر نیست. بلکه تا حد زیادی محصول اندیشه، تصورات، امیال، زیاده خواهی و سوء عمل بازیگران فوق در زندگی بشر است. برای اصلاح مسیر حیات بشری و بهبود زندگی و کاهش درد و رنج انسانها و ارتقاء کرامت آنها، و نیز بازساخت تعادل اکوسیستمهای جغرافیایی به عنوان زیستگاه گروهها و سازه های انسانی، باید بنیادهای فکری، نگرشی و پیش فرضهای زندگی فردی و اجتماعی بشر مورد باز اندیشی و اصلاح قرار گیرد.

باید با رویکرد رحمانی و خدا محور، راه ها و الگوهای جدیدی برای آزادی وی از بردگی مدرن و پست مدرن و مصیبت خود ساخته و زندگی رنج آورش معماری کرد.